



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره چهل و سوم - بهار ۱۳۹۹ - از صفحه ۸ تا ۲۴

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

ISSN 2008-627X



مختصری از تمثیلات و مثل واره‌ها در معدن الدرر

امیدوار مالملی

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایذه، ایران

چکیده

معدن الدرر فی سیره الشیخ حاجی عمر، اثری است در توصیف کرامات، حالات و اقوال حاجی ناصرالدین عمر مرشدی، از مشایخ صوفیه در سده‌ی هشتم و نیمه‌ی نخست سده‌ی نهم هجری، که توسط برادرزاده و مریدش، شمس‌الدین محمد بن بدرالدین سلیمان مرشدی، با استناد به منابع کتبی و روایات شفاهی در سال ۸۶۹ ق در قالب نثر عرفانی نگارش یافته است. این اثر در سال ۱۳۸۳ به کوشش عارف نوشاهی و معین نظامی در تهران و نشر کازرونیه تصحیح و به چاپ رسیده است. اهمیت معدن الدرر در توسعه‌ی تاریخ تصوف، ادبیات صوفیانه، مسائل جغرافیایی، تاریخی، شناخت زبانی و لهجه‌های بومی، شناخت رجال و زیبایی‌های بلاغت است. در جای جای کتاب از تمثیل برای تفهیم و تاکید بیشتر مضمون و مفهوم به خوانندگان استفاده شده است. تمثیل، عبارت کوتاهی است از تجارب گذشتگان، که در بین مردم رواج یافته و در متون ادب فارسی راه پیدا کرده است. در این مقاله برای نشان دادن سبک کلام نویسنده و گرایش فکری او، به بازایی «مختصری از تمثیلات در معدن الدرر» از نظر لفظ، معنی، لحن، کاربرد و بلاغت پرداخته‌ایم شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کمینه‌ی تمثیلات ساخته و پرداخته‌ی طبع وی است و بیشینه‌ی آن اقتباس شده، یا تمثیلات اقتباس شده از آیات، احادیث و اقوال مشایخ صوفیه است، به شرحی که می‌خوانیم.

واژگان کلیدی: مرشدی، تمثیلات، معدن الدرر.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۸

پست الکترونیک نویسندهٔ مسؤول: Malmoliomidvar@yahoo.com

مقدمه

آثار فرهنگی و ادبی با بن‌مایه‌های معرفتی خود، پل ارتباطی بین گذشته، حال و آینده است و ارتباط بین نسل‌ها را در طریقت معرفت برقرار می‌سازد. فرهنگ و ادب فارسی و در پیوند با آن عهد تیموری نیز از این علوم و فنون بهره‌مند بوده است، از این رو سرزمین فارس در عهد تیموری، برای توسعه‌ی علوم و تاریخ تصوف، بعد از خراسان اهمیت ویژه‌ای در خور پژوهش دارد. در این سرزمین بزرگانی مانند: ابو عبدالله خفیف شیرازی، شیخ ابواسحاق کازرونی (شیخ مرشد) روزبهان بقلی، امین‌الدین بلیانی و صاحبان خرقة و مسند دیگری، که نامشان در شذالازار آمده است، از قرن چهارم به بعد از فارس تا دریای چین صاحب نفوذ بوده‌اند و برخی از این صوفیان مانند مرشدیه و مریدان آنان خود پایه گذار سلسله‌هایی بوده‌اند.

از جمله‌ی این مریدان شافعی مذهب و نزدیک به عصر حافظ شیرازی، حاجی عمرگر (۸۲۰-۸۲۶) است، ملقب به ناصرالدین، که به علت وابستگی فکری به سلسله‌ی مرشدیه، از لرستان به کازرون هجرت کرد و به سن صد سالگی (حتی صد و یازده) قمری از جهان رفت.

کتاب معدن الدرر (تألیف ۸۶۹ ق) را که در توصیف کرامات و حالات و خوارق عادات او اختصاص دارد، برادرزاده‌اش، شمس‌الدین محمد بن بدرالدین سلیمان مرشدی بر اساس منابع کتبی و روایات راویان در قالب نثر سیرتی عرفانی به قید تألیف در آورده است. این اثر متأثر از سعدی، ابوسعید ابوالخیر، سنایی غزنوی و گاه نظامی است و کلام این بزرگان را بدون ذکر نام در آن می‌بینیم.

از فواید این اثر علاوه بر موارد یاد شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد ۱- وجود مثل‌ها و مثل‌واره‌ها ۲- سبک مولف ۳- فواید لغوی، زبانی، بیانی و دستوری ۴- تلفظ محلی و لهجه‌های بومی و غیرفارسی ۵- فواید جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی ۶- شناخت رجال هم عصر شیخ ۷- الهامات و مکاشفات و مشاهدات و غیره. اما آنچه در این گفتار به آن پرداخته ایم، بررسی تمثیلات و مثل‌واره‌ها در معدن الدرر می‌باشد.

تمثیل در معدن الدرر زمینه ساز بیان آراء و عقاید عرفانی قرار گرفته و حلقه‌ی اتصال بین نویسندگان و خوانندگان شده است، تا بتوانند آموزه‌های تعلیمی، عرفانی، اخلاقی، اجتماعی و غیره را درک نمایند.

تعریف مثل

مثل‌ها را می‌توان نقطه‌ی اتصال فرهنگ عوام و خواص دانست. در حوزه‌ی ادب رسمی، آن‌جا که

شاعر یا نویسنده، خود را به زبان و فرهنگ مردم نزدیک می‌کند، زمانی است که از مثل‌های آنان بصورت ارسال مثل بهره می‌برد. امثال، «نزدیک‌ترین گونه به ساحت ادب رسمی، یعنی شعر و نثر فصیح و بلیغ به شمار می‌آیند؛ چرا که تمام خصایص اثر هنری را در خود دارند شاعران و نویسندگان برای آن که به لطف و شیرینی کلام خود بیفزایند و آن را رساتر کنند، همواره از مثل‌ها بهره جسته‌اند؛ از سوی دیگر، بسیاری از امثال، حاصل رواج سروده‌ها و نوشته‌های شاعران و نویسندگان فارسی زبان است و این تبادل و تعامل در نهایت، زبان مردم را غنی و پر مایه ساخته و بر غنای ادب گران سنگ فارسی نیز افزوده است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۵۲)

تعریف ارسال المثل (تمثیل):

تمثیل، یکی از تکنیک‌ها و صنایع بدیعی است، که غالباً در آثار ادبی کهن به کار گرفته شده است. به طور کلی تقریباً همه‌ی بدیع دانان گذشته و معاصر تمثیل را با ارسال المثل یکی می‌دانند، «حال آن که در ارسال المثل، ضرب المثلی در شعر یا نثر به کار می‌رود، اما تمثیل ذکر مثالی است، برای اثبات یا استحکام یک اندیشه، که معمولاً این مثال از امور عینی و محسوسات انتخاب می‌شود و بیشتر جنبه‌ی استدلالی دارد در تمثیل یک اندیشه به تصویر کشیده می‌شود». (ابو محبوب، ۱۳۷۲: ۷۶)

«تمثیل، آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبیه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است، بیاریند. این صفت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیه‌ی سخن می‌گردد و گاه باشد که آوردن یک بیت مثل در نظم و نثر و خطا به و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده، بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد». (همایی، ۱۳۸۹: ۱۹۱)

تعریف مثل واره:

استعاره‌های تمثیلیه کنایانی هستند که به شکل فعل یا مصدر مرکب می‌آیند، «این عبارات مصدری وقتی در جمله قرار می‌گیرند، هویت و شخصیت خود را باز می‌یابند و معلوم می‌شود روی سخنانش با کیست. در این عبارات می‌توان صورت مصدری را تغییر داد و آن‌ها را مثل فعل مرکب صرف کرد.» (ابریشمی، ۱۳۷۶: مقدمه)

نگارنده در این مقاله کوشش کرده است کتاب معدن الدرر را در زمینه‌ی «تمثیلات» مطالعه و بررسی کرده و با مراجعه به منابع معتبر، برخی از مشکلات را به شرحی که می‌خوانیم، بیان نماید.

پیشینه‌ی پژوهش

واقعیت این است که پیش‌تر، پژوهشی درباره‌ی «ارسال المثل» یا «تمثیل» در کتاب معدن الدرر صورت نگرفته است، که مقاله‌ی حاضر چنین مطالعه‌ای را پیش‌رو دارد. اما نگارنده در پژوهش خویش به موارد زیر دست یافته است.

- یگانه نسخه‌ی شناخته شده‌ی معدن الدرر در مخزن چلبی عبدالله افندی، کتابخانه‌ی سلیمانیه، استانبول، شماره‌ی ۳۰۲ محفوظ است. که در چند منبع کتاب‌شناختی متأخر معرفی شده.

- معدن الدرر، (سیرت‌نامه شیخ ناصرالدین عمر مرشدی) شمس‌الدین محمد عمری مرشدی، تألیف ۸۶۹ ق، پژوهش دکتر عارف نوشاهی و دکتر معین نظامی، ۱۳۸۳.

- فرهانی منفرد، مهدی، تابستان ۱۳۸۴، بازکاوی آگاهی‌های تاریخی در معدن الدرر، مجله‌ی آیینی میراث، شماره ۲۹.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، با عنایت به ماهیت آن کتابخانه‌ای است. مطالعه‌ی کتاب، مجله، رساله و تجارب شخصی از جمله منابع کتابخانه‌ای بود، که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

در آثاری که تاکنون در باب تمثیل و ارسال مثل نوشته شده است، اثری با نگرش «ارسال المثل» و تمثیل در کتاب معدن الدرر مورد بحث و تحلیل قرار نگرفته است، از این‌رو مهمترین اهداف این مقاله پاسخگویی به سوالات زیر است. ۱- چه انواعی از تمثیل را می‌توان در معدن الدرر مشاهده کرد؟ ۲- پیشینه‌ی کاربرد تمثیلات معدن الدرر از چه نوع است؟

بحث: مختصری از تمثیلات و مثل‌واره‌ها در «معدن الدرر»

۱- ساختار دستوری

تمثیلات در معدن الدرر از نظر ساختار دستوری، دو دسته‌اند: برخی جمله‌های ساده و برخی جمله‌های مرکب است.

الف. نمونه‌ی جمله‌های ساده:

المخلصون... عظیم: ترجمه: مخلصان، با خطری بزرگ روبه‌رو هستند.

المخلصونَ عَلِيَّ خَطِرٍ عَظِيمٍ (مرشدی، ۱۳۸۳: ۷۰)

الوقتُ سَيْفٌ قَاطِعٌ: ارسال المثل است که با اقتباس پیوند برقرار ساخته است.

آن بزرگ دین می‌گوید: «الوقتُ سَيْفٌ قَاطِعٌ» (مرشدی، ۱۳۸۳: ۹۱)

ب. نمونه‌ی جمله‌های مرکب:

هر سعادت‌مند که دست ارادت در فتراک دولت او زد: اهل هدایت سرانجام به سعادت می‌رسند.

هر آن سعادت‌مند که دست ارادت در فتراک دولت او زد، پای هدایت در رکاب ولایت نهاد. (مرشدی،

۱۳۸۳: ۶)

هر مقلّ که روی به قبله آورد: هر درویش نیازمندی که به سوی قبله‌ی وحدت روی آورد، به وصال

معبود خویش نایل می‌شود.

هر آن مقلّ که روی توجه به قبله‌ی محبت او آورد، از ادنی مراتبِ خاک به اعلیٰ رواتبِ افلاک تصاعّد

نمود. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۶)

۲- لحن بیان

تمثیلات از نظر لحن بیان به سه دسته تقسیم می‌شود: جدی، طنزآمیز و رکیک. (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۷۵)

لحن بیان در معدن الدرر، جدی و معمولی است و از دو نوع دیگر استفاده نشده است. علت آن هم

جدی بودن شخصیت نویسنده است.

الف. جدی و معمولی:

نخست یار، پس برون نه پای:

نخست یار به دست آر و پس برون نه پای به خانه گوی مباش و خیال وار مرو

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۸)

الرّاحمون یرحمهم الرّحمن: ارسال المثل گاه با اقتباس متحد می‌شود و این تمثیل از حدیثی اقتباس

شده که منبع آن معلوم نیست. ترجمه: رحمان بر رحمت کنندگان رحمت می‌فرماید، بر اهل زمین

بیخشایید، تا کسی که در آسمان است بر شما بیخشاید.

الرّاحمون یرحمهم الرّحمن، ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۲)

۳- رواج و تداول

مثل‌ها از نظر میزان کاربرد به دو دسته رایج و پر کاربرد و غیر رایج تقسیم می‌شود. بیشتر تشبیهات و شبه مثل‌های معدن الدرر، از انواع پر کاربرد ولی وام گرفته یا اقتباس شده است.

الف. تمثیلات پر کاربرد:

قحط الرجال: نایاب بودن مردان کارآمد (معین) این تمثیل وقتی به کار می‌رود که از افراد ناکارآمد به جای افراد شایسته و لایق استفاده می‌شود.

در این ایام که قحط الرجال است، اگر شمه‌ای از آن از ممکن کون بر منصه ظهور جلوه نماید. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۷)

مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ: نویسنده بین ارسال المثل و اقتباس اتحاد برقرار ساخته است و این تمثیل را از قرآن کریم به شرح زیر اقتباس کرده است.

حق، سبحانه و تعالی می‌فرماید: « مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ » (۶۵/۳) (مرشدی، ۱۳۸۳: ۵۸)

ب. تمثیلات کم کاربرد:

به **عَلْفِ كَوْهٍ وَ بَلُوطِ قِنَاعَتِ كَرْدَنَ:** تمثیل است برای سالکان طریق ریاضت، که باید قناعت پیشه سازند.

بعد از آن ترک لذات و شهوات دنیا کردم و به علف کوه و بلوط قناعت می‌کردم. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۸)

۴- درون مایه و محتوا

درون مایه و محتوای تمثیلات معدن الدرر، شامل مسائل اجتماعی، اخلاقی، آموزشی، دینی و صوفیانه است. اما پیشینه کاربرد آن به ترتیب به مسائل صوفیانه و دینی می‌پردازد.

الف. مسائل اجتماعی:

نیکو محضر: تمثیلی است از افراد خوش معاشرت و نیکو سیرت.

حیف نباشد که مثل شما جوانان نیکو محضر به این طفل چنین می‌کنید؟ (مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۴)

دوای خار سر راه برکنندن است:

خاری که بر سر راه مسلمانان رسته می‌شود، دوای وی آن است که از بیخ و بن بر کنی، تا دیگر ایدای کس نکنند. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۹۳)

ب. مسائل اخلاقی:

در سایه‌ی خار خرسند بودن: بلبل از نسیم گل در سایه‌ی خار خرسند است، چنانکه عارف به امید وصال است که هجران و ریاضت را تحمل می‌کند.

بلبل چو نسیم گل بیابد در سایه‌ی خار هست خرسند

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۴)

هر قبولی که مرد ین ره را:

هر قبولی که مرد این ره را از در جاهلان بی خرد است
گر بینی به دیده‌ی تحقیق به خدا، کان قبول بیخ رد است

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۱)

از خود بت ساختن:

ریا و کبر تو زرق است و افسوس چرا از خود بتی سازی به سالوس؟
مبین خود را و کم کن خود نمایی که باشی هم به دام خویش محبوس

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۹۰)

ج. مسائل آموزشی:

هر طالب که مطالعه‌ی کتابی کند: طالب علم و کتاب، فضل و معرفت بیشتری نسبت به سایرین دارد، از این رو فضایل و صفات پسندیده تری بر دیگران دارد.

هر طالب که مطالعه‌ی کتابی کند [شاید] که ریاضت و سلوک و مجاهده و ترک و زهد صاحب آن بیشتر و ترقیات او افزون تر. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۶)

کمان هفتاد من و هشتاد من کشیدن: تمثیل است برای عارف یا سالک، که اهل ریاضت است و قادر است به کارهای سخت تن بدهد.

نقل است که حضرت مقدسه به سن بلوغ رسید، کمان هفتاد من و هشتاد من کشیدی. (مرشدی،

۱۳۸۳: ۱۳)

د. مسائل دینی:

کسی که نان طلبد با کسی که جانان طلبد، برابر نباشد: طلب نان با طالب جانان برابر نیست، بلکه طالب جانان به نوعی فضیلت و برتری دارد.

چه کسی که هر جا نان طلبد با کسی که جانان طلبد، برابر نباشد. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۶)
نفس در بوته‌ی مجاهده گداختن: تمثیل است برای سالک یا عارفی که اهل ریاضت و مجاهدت باشد.

در بوته‌ی مجاهده، نفسِ نفیسِ خود را، دیگری مثل او نگداخت. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۶)
ادراکات قاصره: تمثیل است برای کسانی که در پذیرش اسلام یا مذهب کوتاهی کرده اند، که در این کوتاهی یا عذر دارند یا معذور نیستند.

چون ادراکات قاصره آن را در نیابند (مرشدی، ۱۳۸۳: ۷)

صایم الدهر: اتحاد بین ارسال المثل و اقتباس باشد و آن تمثیل باشد از کسی که دائماً روزه دار است.
قایم اللیل: اتحاد بین ارسال المثل و اقتباس باشد و آن تمثیل از سالکی است که شب زنده داری می‌کند.

حضرت مقدسه در مبادی احوال، که قدم در راه ریاضت نهاد، آنچه از حیوان بود از مطعومات و مشروبات تناول نفر مودی و صایم الدهر و قایم اللیل بودی. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۵)
اندک پذیر بسیار بخش: تمثیل است از وجود حضرت حق - تعالی - که با اندک نیکی از سوی بندگان در حق آنان ده برابر بخشش و پاداش ارائه می‌دهد و این تمثیل از قرآن کریم، سوره‌ی انعام آیه‌ی ۱۶۰ اقتباس شده است. اندک پذیر بسیار بخش؛ از حضرت کریم تمناً چه حاجت است! (مرشدی، ۱۳۸۳: ۷۸)

ه. مسائل صوفیانه:

گوی ریاضت ربودن: تمثیل برای کسی است که در میدان ریاضت بر سایر سالکان پیشی می‌گیرد.
در میدان سعادت، گوی ریاضت را به چوگان هدایت چون آن حضرت کسی نربود. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۶)

فقیر کسیر: تمثیل است از برای خاکسار بی مقدار، یعنی اهل زهد و اعتزال.
خاکسار بی مقدار: تمثیل است از برای فقیر کسیر، که معمولاً نشانه‌ی شکست نفسی سالک طریق باشد.

فقیر کسیر، خاکسار بی مقدار، مولف از آن روز باز که حق از باطل و فاضل از جاهل تمیز توانست نمود. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۷)

کمینه: کمترین آدم روی زمین. کوچکترین موجود خاکی، تمثیل است از خود نویسنده‌ی کتاب (دهخدا: ذیل واژه)

کمینه‌ی خاکسار: معادل «فقیرکسیر» و «خاکسار بی مقدار» باشد که قبلاً شرح داده ایم. و شرح بعضی از احوال پدر کمینه‌ی خاکسار در آخر کتاب گفته آید. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۲)

خرقه‌ی با یزیدی پوشیدن: تمثیل است برای کسی که به مسلک با یزید بسطاعی گرایش پیدا کرده است.

نظیر: کلاه با یزیدی بر سر نهادن باشد.

کلاه با یزیدی به سر نهادن: تمثیل است برای سالکی که از آموزه‌های با یزید بسطامی پیروی می‌کند. نظیر: خرقه‌ی با یزیدی پوشیدن باشد.

هفت تن دیدم که آمدند. خرقه‌های با یزیدی پوشیده، کلاه با یزیدی به سر نهاده (مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۲)

۵- بلاغت

الف. معانی و بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه):

تشبیه حسی: دوسوی تشبیه حسی است.

این جهان بر مثال مرداری است: اشاره است به این تمثیل اقتباس شده از متون صوفیانه که: «الدنیا جیفه و طالبها کلاب» یعنی: دنیا مانند مردار است و دنیاداران سگانی هستند که گرد آن جمع آمده‌اند. این جهان بر مثال مرداری است کرکستان گورد او هزار

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۴۴)

نویسنده این بیت را بدون ذکر منبع از دیوان اشعار سنایی اقتباس کرده است.

تشبیه بلیغ: ادات و وجه شبه حذف می شود.

هو المسک.... يتضوع؛ ترجمه: این که مشک است، هر چه تکرار می‌شود، خوشبوتر می‌شود.

«هو المسک ما کررته يتضوع» (مرشدی، ۱۳۸۳: ۸۷)

تشبیه ساده: در تشبیه، چیزی را به چیزی مانند می‌کنند. از این رو در تمثیل نیز این اتفاق می‌افتد.

سخن خیر با همه کس باید گفت: نویسنده، سخن خیر را بصورت تشبیه تمثیلی به درخت میوه دار مانند ساخته است و می‌گوید:

سخن خیر با همه کس باید گفت، که آن به مثابت درخت میوه دار است، که نشانند. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۹۶)

ایجاز: به کاربردن لفظ کم در معنی زیاد باشد و مثل خوب نیز باید کوتاه باشد. اگر صد سال مانی و یکی روز: نویسنده این تمثیل را از خسرو و شیرین نظامی اقتباس کرده و به ذکر منبع پرداخته است.

اگر صد سال مانی و یکی روز ببايد رفت از اين کاخ دل افروز

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

بیان مساوات:

ز خود بینی کشد بیچاره طوطی: طوطی، در اینجا تمثیل از اهل ظاهر و خود بین باشد. ز خود بینی کشد بیچاره طوطی همان کز خود نمایی دید طاووس

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۹۰)

مجاز (ذکر صفت و اراده موصوف):

صاحبقران سعید: تمثیل است برای سالک یا عارف سعادت‌مند یا کسی که در عصر خود به جهتی از جهات بر هم سلکان خویش تفوقی حاصل کرده و در حرفه خود ممتاز و مشارالیه شده باشد.

نسخه‌ای که صاحبقران سعید، مقبول امیرکمال‌الدین عبدالرحیم ایناق، در سلک تحریر آورده (مرشدی، ۱۳۸۳: ۷)

استعاره مصرحه:

اگر می‌کشی بار پیلان در آی: خوشبختی در هر خانه‌ای را می‌زند، گاهی خوابیم، گاهی حس مهمان داری نداریم، گاهی خود را لایق نمی‌بینیم و گاهی می‌ترسیم حریف مهمان نباشیم. خوشبخت شدن، توان بالایی می‌طلبد.

اگر می‌کشی بار پیلان در آی و گر نه چو اشتر مجنبان درای

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۷)

نظیر:

دوستی با پیلبانان یا مکن یا طلب کن خانه‌ای در خورد پیل

(سعدی، گلستان)

ب. بدیع (لفظی و معنوی):

جناس مضارع (لاحق): جناس، در افزایش بار موسیقایی کلام و مثل‌ها موثر است.

به حلق آویخته به که به خلق آمیخته:

مرد این راه به حلق آویخته به که به خلق آمیخته. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۱)

اقتباس: ارسال المثل، گاه با اقتباس متحد می‌شود و آن در جایی است که مثل مشهور یا شبه مثل را گرفته باشند، خواه از آیات و احادیث باشد یا نباشد.

هر مرغ که از تو دانه‌ای یافت: هر پرنده‌ای که از قبل تو تغذیه کرده، اسیر هر بند نمی‌شود، چنانکه هر سالک یا عارفی که از آموزه‌های تو بهره‌مند شد، از تعلقات مادی رهایی می‌یابد. اقتباس از بوستان سعدی.

هر مرغ که از تو دانه‌ای یافت دشوار شود اسیر هر بند

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۴)

تا ترک علایق و عوایق نکنی: ترک علایق توسط سالک، سجده به درگاه معبود را در پی دارد، چنانکه ترک عالم کثرت، روی آوردن به عالم وحدت را در پی دارد. نویسنده این تمثیل را بدون ذکر منبع، از رباعیات ابو سعید ابوالخیر اقتباس کرده است.

تا ترک علایق و عوایق نکنی یک سجده‌ی شایسته و لایق نکنی

حقاً که ز دام لات و عزّی نرهی تا ترک خود و جمله خلائق نکنی

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۴)

بلرزد همی چون بگرید یتیم: اقتباس و ارسال مثل گاه با یکدیگر متحد می‌شوند، که در این صورت باید آن را جزو صنایع بدیع شمرد و این اتفاق در جایی است که مثل مشهور یا شبه مثل را اخذ کرده

باشند. اقتباس بدون ذکر مأخذ از باب دوم بوستان سعدی، ص ۸۰.

ألا تا نگرید، که عرش عظیم بلرزد همی چون بگرید یتیم

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۵)

صوم داوودی: پیوستگی و اتحاد بین ارسال المثل و اقتباس برقرار است.

حضرت سید المرسلین فرموده: افضل الصیام صومُ أخی داوود(مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۶)

ترجمه: بهترین روزه ها، روزه‌ی برادرم داوود است. (مُسند ابی داوود، باب صدم، ص ۶۶)

تا در نرنی به هر چه داری آتش: هزینه‌ی رسیدن به بقاء و وصال، فناء باشد. تمثیل برای سالکانی که بقای منهای فناء را طالبند. اقتباس بدون ذکر منبع از رباعیات ابو سعید ابوالخیر است.

تا در نرنی به هر چه داری آتش حقا نشود حقیقت وقت تو خوش

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۳۲)

اندر یک دل، دو دوست ناید خوش: تمثیل است برای کسانی که هم خدا را می‌خواهند و هم خرما را. اقتباس بدون ذکر مأخذ از رباعیات ابوسعید ابوالخیر است.

ما را خواهی، خطی به عالم در کش کاندلر یک دل، دو دوستی ناید خوش

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۳۲)

نظیر: ده درویش در گلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند(بوستان سعدی)

کسی گوی دولت ز دنیا برد: تمثیل است برای کسانی که بدون سعی و تلاش، امید به پاداش دارند. اقتباس از باب دوم (باب احسان) بوستان سعدی است، بدون ذکر منبع.

کسی گوی دولت ز دنیا برد که با خود نصیبی به عقبی برد

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۳۴)

عروس مُلک در کنار گرفتن: نویسنده این تمثیل را بدون ذکر منبع از ظهیر فاریابی اقتباس کرده است.

عروس مُلک کسی در کنار گیرد چست که بوسه بر لب شمشیر آبدار زند

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۱۶)

زر از بهر خوردن بود: این تمثیل برای کسانی است که اهل احسان و بخشش نیستند. نویسنده بدون ذکر منبع آن را از سعدی در بوستان اقتباس کرده است.

زر از بهر خوردن بُود ای پسر! ز بهر نهادن چه سنگ و چه زر

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

فرم صحیح شعر در بوستان:

زر از بهر خوردن بود ای پدر! ز بهر نهادن چه سنگ و چه زر!

(بوستان سعدی، ۹۵، ۸۳)

فرم صحیح بیت این است:

عروس مملکت آن در کنار گیرد تنگ که بوسه بر لب شمشیر آبدار دهد

(دیوان، ظهیر)

خور و پوش و بخشا و راحت رسان:

خور و پوش و بخشا و راحت رسان ننگه از چه داری برای کسان؟

(مرشدی، ۱۳۸۲: ۱۱۸)

نویسنده بیت فوق را، بدون ذکر منبع و با تحریف، از بوستان سعدی آورده که فرم درست آن این گونه است:

خور و پوش و بخشای و راحت رسان ننگه می‌چه داری ز بهر کسان؟

(بوستان سعدی)

تلمیح: تلمیح، نمک کلام در مثل‌ها و مثل‌واره‌های ادب فارسی است، که درجه پذیرش سخن را بالا می‌برد.

از بندگان گناه و از خداوند عفو: اشاره است به این تمثیل اقتباس شده از قرآن کریم: «لا تقنطوا من

رَحْمَةُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳)
حضرت مقدسه فرمود که «از بندگان گناه و از خداوند عفو» (مرشدی، ۱۳۸۳: ۵۱)

طرد و عکس:

در به روی خویش بستن:

ببند از همه عالم به روی خویش دری که تا عنایت ما در به روت بگشاید

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۱)

طباق و تضاد:

الصَّبْرُ ... العَسَلُ: ترجمه: صبر، در آغاز تلخ است، ولی آخرش شیرین تر از عسل است.

الصَّبْرُ أَوْلُهُ مُرٌّ مَذَاقُهُ لَكِنْ آخِرُ أَهْلِي مِنَ الْعَسَلِ (مرشدی، ۱۳۸۳: ۴۷)

از ستونی باز کردن و به ستونی دیگر بستن:

این آمدن چنان است، که کسی را از ستونی باز کنند و به ستونی دیگر بندند. (مرشدی، ۱۳۸۳: ۱۰۸)
ذوقافیتین: قافیه در تقویت بار موسیقایی مثل ها و مثل واره ها موثر است و وقتی دو قافیه بیاید، موثرتر است.

گل باغ جویی پی خارگیر: اگر طالب عیش و خوش هستی، باید رنج و هزینه‌ی رسیدن به آن را نیز تحمل کنی.

سر گنج داری، دُم مار گیر: اگر طالب نوش هستی، باید آزار ناشی از نیش را هم تحمل کنی.
گل باغ جویی، پی خارگیر سر گنج داری، دُم مارگیر

(مرشدی، ۱۳۸۳: ۲۷)

مراعات نظیر و تناسب:

هر که را نظر بر جیب است: تمثیل است برای اهل ظاهر که به ظاهر توجه دارند، نه به باطن. اقتباس شده از یکی از بزرگان دین که معلوم نیست چه کسی است.

آن بزرگ دین می‌گوید: هر که را نظر بر جیب و آستین است، دامن از او درکش، که راست این است.

(عمری مرشدی، ۱۳۸۳: ۹۰)

نتیجه‌گیری

- در جای جای معدن الدرر، از تمثیل برای تفهیم و تأکید بیشتر مضمون و مفهوم استفاده شده است.
- تمثیل، عبارت کوتاهی از تجار گذشتگان است، که در بین مردم رواج یافته است.
- کمینه تمثیلات معدن الدرر ساخته‌ی طبع نویسنده و بیشینه‌ی آن اقتباس است.
- تسلط نویسنده بر قرآن و حدیث و اقوال مشایخ صوفیه باعث گردیده برخی از تمثیلات به زبان عربی آورده شود.
- تقریباً تمام تمثیلات معدن الدرر دارای لحن جدی است، که به شخصیت نویسنده کتاب برمی‌گردد.
- ارسال المثل گاه با اقتباس متحد شده است، در این صورت باید آن را جزو صنایع بدیع شمرد.
- اتحاد ارسال المثل با اقتباس در جایی است که مثل مشهور یا شبه مثل را اخذ کرده باشند، خواه از آیات قرآن و احادیث باشند یا نباشند.
- بدیهی است که ارسال المثل نوعی از اقتباس است، که چون شخص شاخص و مهم بوده است آن را از سایر اقسام اقتباس جدا کرده و نام علی حده را به آن داده است.
- در ارسال المثل، کلام حاوی ضرب المثل است یا جنبه‌ی ضرب المثل دارد.
- در تمثیل، گاه دو جمله را (بدون ذکر ادات تشبیه) به یکدیگر تشبیه می‌کنند و مشبه به ضرب المثل باشد.
- از نظر درون مایه، تمثیلات معدن الدرر، جنبه‌ی اجتماعی، اخلاقی، آموزشی، عرفانی و دینی را داراست.
- در حوزه‌ی بلاغت، بیشترین تمثیلات معدن الدرر، شامل اقتباس است.
- عبارات تمثیلی معدن الدرر، وقتی که با زهد و تزکیه نفس آمیخته می‌شود، مانند دارویی برای التیام دردهای درونی خواننده است.
- معدن الدرر، متأثر از اندیشه‌ی بزرگانی مانند: سعدی، ابوسعید بی‌لخیر، سنایی غزنوی و گاه نظامی است.
- تمثیل در نظم و نثر و خطابه و سخنرانی در پروراندن مقصود و جلب توجه خواننده، بیش از چندین بیت منظوم اثر دارد.
- از توصیفات معدن الدرر در امثال و عبارات نتیجه می‌گیریم، که مرشدی شافعی مذهب بوده است.
- اهمیت معدن الدرر در توسعه‌ی تاریخ تصوف، ادبیات صوفیانه، مسائل اجتماعی، تاریخی، شناخت زبانی و لهجه‌های بومی نیز حیاتی است.

- نویسنده، برای ایجاد ارتباط مؤثر و انتقال آموزه‌های عارفانه و صوفیانه از تمثیل بهره گرفته است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابریشمی، احمد، ۱۳۷۶، فرهنگ نوین، تهران: انتشارات زیور.

ابو محبوب، احمد، ۱۳۷۲، در تمثیل و ارسال مثل، رشد آموزش ادب فارسی، بهار، شماره ۳۲.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۰، امثال و حکم، تهران: سپهر: چ هفتم.

ذوالفقاری، حسن، ۱۳۸۹، زیبایی شناسی ضرب المثل‌های فارسی، مجله‌ی بوستان ادب، دوره دوم، شماره دوم، تابستان، صص ۸۲-۵۱.

سعدی، مصلح‌الدین، ۱۳۷۹، کلیات سعدی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دوستان. فرهانی منفرد، مهدی، تابستان ۱۳۸۴، باز کاوی آگاهی‌های تاریخی در معدن الدرر، فصلنامه‌ی آینه‌ی میراث، شماره دوم.

مرشدی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۸۳، معدن الدرر فی سیره‌ی الشیخ حاجی عمر، به تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، تهران: نشر کازرونیه.

همایی، جلال‌الدین، ۱۳۸۹: فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: اهورا.



Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature

Islamic Azad University- Bushehr Branch

No. 43 / Spring 2020

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

ISSN 2008-627X



Some figuratives and allegories in MadanAldorar

Omidvar Malmoli

Assistant Professor of Persian Language and Literature Islamic Azad University,
Izeh, Iran.

Abstract

Madan Aldorar is a trace in the description of 'Hajji Nasser al-Din Omar Morshdi's benevolence, manners and statements who was the major Sufi lived in eighth and first half of nineteenth centuries AH. This book had written by his cousin and fans Shamsodin Mohammad Badro_din Solaiman Morshdi according to book documents intercession and traditional narrations in the year 869 AH in the form of mystical prose. This opus corrected and published by Aref Noshahi and Moien Nezami at 1383 in Tehran by Kazeronie publishing. The importance of Madan Aldorar is in improvement the Sufism history, Sufi literature, geografic issues, historical, language cognition and indigenus dialects, knowing gentels and beauty of rumor. In this book allegories and figuratives has been used to convey and emphasize the meaning and content to redears. An allegory is a short description of ancestors experiences that have become popular among people and found in Persian literary texts. In this article, to illustrate the style of the author's word and his tendency we are going to retrieve a "Some figuratives and allegories in Madan Aldorar" according to terms, meaning, tune and rumor. Findings the research shows that the allegories are composed by his nature, and the most of them had generated from some major Sufi's verses, statements and Hadith, as we read.

Key words: Morshedi, allegories, Madan Aldorar

Corresponding Author: Malmoliomidvar@yahoo.com